

دوفصل نامه علمی - ترویجی سیره پژوهی اهل بیت علیهم السلام

سال ششم، شماره دهم، بهار و تابستان ۱۳۹۹

صفحات ۷۵ - ۹۰

راه کارهای آسیب زدایی از محدودیت دامنه مطالعات تاریخی درباره اهل بیت علیهم السلام: رویکرد، زمان، مکان، موضوع و روش

محمدحسین دانشکیا^۱

چکیده

شیعیان همواره به دنبال آگاهی از تاریخ و سبک زندگی اهل بیت علیهم السلام بوده اند. با این همه آنان اغلب با تکرار داده های تاریخی مواجه شده اند. این نوشتار با روش توصیفی و تحلیلی بر آن است تا راه کارهای آسیب زدایی از محدودیت دامنه مطالعات تاریخی درباره زندگانی اهل بیت علیهم السلام را بررسی کند. یافته های پژوهش نشان می دهد گسترش رویکردهای فرهنگی، تمدنی و عبرت پژوهانه، توسعه زمانی و مکانی بررسی تأثیر و نقش اهل بیت علیهم السلام فراتر از دوره حضور، بررسی تاریخ اندیشه، مباحث نظری و تمدنی ایشان و در نظر گرفتن رویکرد سبک نگارانه در حوزه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می تواند دامنه مطالعات درباره سیره اهل بیت علیهم السلام را توسعه دهد و به این ترتیب آسیب های ناشی از محدودیت مطالعات تاریخی اهل بیت علیهم السلام را رفع کند.

کلیدواژه ها: سیره پژوهی تاریخی، سیره پژوهی تمدنی، سیره پژوهی فرهنگی، تاریخ فرهنگی اهل بیت علیهم السلام.

۱. دانشیار گروه تاریخ تمدن اسلامی دانشگاه معارف اسلامی. mkia1988@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۶/۱۵

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۴/۲۰

درآمد

دوستداران اهل بیت علیهم‌السلام در طول تاریخ در پی اطلاع از احوال و زندگی ایشان بوده‌اند. اما به سبب وجود کاستی‌ها و آسیب‌های گوناگون، اطلاع دقیق و مطلوبی از تاریخ زندگانی معصومین علیهم‌السلام به دست نیامده است. غلبه جنبه مناقبی بر جنبه تاریخی، عدم نگارش به روش تاریخی و توجه به روش تذکره‌نویسی (یوسفی غروی، ۱۳۹۴: ۵۲)، تأکید بر جنبه اعتقادی موضوع امامت و اثبات امامت ائمه و بی‌توجهی به فعالیت‌های اجتماعی ائمه علیهم‌السلام، نادیده گرفتن رویدادها، انقلاب‌ها و حوادث اجتماعی عصر ائمه علیهم‌السلام، پراکندگی و نبود دسته‌بندی‌های مناسب در بیان رویدادها و وقایع تاریخی، مشخص نبودن زمان و مکان بسیاری از وقایع تاریخی، عدم ذکر رویدادهای همزمان با یک حادثه تاریخی، زیاده‌گویی در جایی که باید به اختصار گذشت و گزیده‌گویی در جایی که نیاز به تفصیل است (الصدر، ۱۴۰۰: مقدمه مولف) و درنهایت در دسترس نبودن بسیاری از کتب تاریخی شیعی (مجیدی نسب، ۱۳۸۷: ۱۷۰-۱۱۷)، از مهم‌ترین علل بروز کاستی در مطالعات تاریخی زندگانی معصومین علیهم‌السلام است.

برای ارائه راه‌کارهای آسیب‌زدا ناظر به آسیب‌هایی بالا، تلاش‌هایی صورت گرفته است که از مهمترین آنها می‌توان به کتاب *تاریخ غیبت صغری* اشاره کرد (الصدر، ۱۴۰۰: مقدمه مولف). پژوهش در *زندگی امامان علیهم‌السلام* (مبانی و روش‌ها) از دیگر کتاب‌هایی است که در خلال بحث‌های خود به کاستی‌های مطالعات امامان اشاره کرده است (محرمی، ۱۳۹۴: فصل دوم). نویسنده هر چند هدف خود را ارائه مبانی و اصول تحقیق درباره تاریخ زندگی ائمه علیهم‌السلام قرار داده است ولی به طور ضمنی به چالش‌هایی که در بررسی تاریخ ایشان وجود دارد توجه کرده و با ارائه مبانی و اصول تحقیق در واقع به نوعی راه‌کار مطالعه صحیح و به دور از آسیب را مطرح کرده است. در این میان برخی از محققان نیز به ارزیابی و نقد منابع تاریخی امامیه پرداخته‌اند و چالش محتوا و سند را مورد بررسی قرار داده‌اند. برای نمونه صفری فروشانی (۱۳۸۶ش) در مقاله «بررسی دو اثر تاریخ‌نگاری شیخ صدوق رحمته‌الله»، و همو (۱۳۸۵ش) در مقاله «حسین بن عبدالوهاب و عیون المعجزات» و توحیدی نیا و صفری فروشانی (۱۳۹۴ش) در مقاله «ماهیت تاریخ‌نگاری روایی امامیه تا نیمه قرن پنجم»، به این موضوع توجه کرده‌اند. در این مقالات با نگاهی جذبی به آسیب‌های گزارش‌های منابع پرداخته شده است. که از مهم‌ترین آنها می‌توان به آسیب‌های سند روایات تاریخی، صبغه مناقبی روایات تاریخی، محدودیت گزارش‌های تاریخی از نظر کمی و کمبود منابع تاریخی مطول درباره تاریخ امامان اشاره کرد. از این‌رو راه

کارهای ارائه شده نیز جزئی است. این نوشتار با نگاهی کلان به آسیب‌های مطالعات تاریخی، نه گزارش‌های تاریخی پرداخته است. از این رو راه‌کارهایی نیز در این موضوع ارائه کرده است. این نوشتار در صدد است با روش توصیفی و تحلیلی و با توجه به آسیب‌های موجود در مطالعات تاریخی امامان یعنی محدودیت دامنه مطالعات تاریخ اهل بیت علیهم‌السلام، راه‌کارهایی برای رفع این محدودیت ارائه کند. مراد از محدودیت، عدم بکارگیری رویکردهای متنوع به تاریخ اهل بیت علیهم‌السلام، اکتفاء به بررسی گزارش‌های زمان حضور یعنی صرفاً حدود دویست و پنجاه سال حیات ظاهری ایشان، اکتفا به گزارش‌های ناظر به مکان‌هایی که ایشان حضور فیزیکی داشته‌اند و عدم توسعه موضوعی به حوزه‌هایی که امروزه در دانش تاریخ مورد توجه است.

در گونه‌شناسی منابع تاریخی درباره زندگانی اهل بیت علیهم‌السلام، از منابع کلامی-تاریخی، حدیثی، رجالی، دلائل، مقاتل (جعفریان، ۱۳۸۷: ۲۳۹)، فتن و حروب، مناقب و مثالب (بخشی، ۱۳۹۳: ۶۳۱) یاد شده است.

با توسعه دانش تاریخ، بایستی «حرکتی گسترده» در رویکردها، روش‌ها و موضوع مطالعات تاریخی اهل بیت علیهم‌السلام مورد توجه قرار می‌گرفت. چنین حرکتی می‌توانست ضمن طراوت و تازگی بخشی به این دست از مطالعات، کاستی‌های موجود در این حوزه‌ها را رفع کند. در ادامه به معرفی محدودیت‌های مطالعاتی در این حوزه و راه‌کارهایی پیشنهادی پرداخته می‌شود.

۱. محدودیت رویکرد و راه‌کار رفع آن

مقصود از رویکرد در این نوشتار، نظرگاه و زاویه‌ای است که محقق از آن به یک مسئله نگاه می‌کند و آن را مورد پژوهش قرار می‌دهد. به طور مثال گاهی پژوهشگر با رویکرد کلامی به تاریخ نگاه می‌کند. قصد او استفاده از گزارش‌های تاریخی برای اثبات مدعاهای کلامی است. در این صورت، به گزینش آن دسته از گزارش‌هایی می‌پردازد که هدف وی را محقق سازد. بدیهی است وی حتی در مرحله ارزیابی و تحلیل و نتیجه‌گیری نیز رویکرد خود را دخالت می‌دهد. از این رو تغییر رویکرد، تغییر در گزینش اخبار، تحلیل و نتیجه‌گیری را به دنبال خواهد داشت. حال برای توسعه مطالعات تاریخ اهل بیت علیهم‌السلام به جز رویکرد کلامی و تاریخی، رویکردهای فرهنگی-تمدنی و عبرت‌پژوهانه پیشنهاد می‌شود.

الف) رویکرد فرهنگی-تمدنی

استفاده از رویکرد فرهنگی-تمدنی به مطالعات اهل بیت علیهم‌السلام دریچه‌ای نو برای این دست

از مطالعات است. مواد خام برای اتخاذ این رویکرد در آثار و منابع تاریخی فراهم است و از این بُعد مشکلی نخواهد بود. برای اتخاذ چنین رویکردی بایستی الزاماتی را رعایت کرد. با اتخاذ چنین رویکردی محقق به دنبال تأثیر یا نقش اهل بیت علیهم‌السلام در عرصه‌های گوناگون فرهنگی و تمدنی خواهد بود. برای نمونه تأثیر یا نقش ایشان در حوزه باورها و عقاید مردم، ارزش‌ها و گرایش‌های ایشان و رفتارهای آنان در عرصه‌های گوناگون زندگی می‌تواند مورد توجه محقق قرار گیرد. بررسی تأثیر ایشان در اتخاذ سبک‌های گوناگون هنری یا معماری، تأثیر ایشان در سنت‌های علمی، آداب و رسوم، عرف و حقوق از دیگر مواردی است که در این نوع رویکرد قابل توجه خواهد بود. بررسی این نکته که اهل بیت علیهم‌السلام در عرصه‌های گوناگون فرهنگی به تأسیس، تعمیق، اصلاح، مخالفت، گسترش و توسعه پرداخته‌اند از دیگر مسائل مورد بحث است. در حوزه مطالعات تمدنی توجه اصلی پژوهشگر به نظامات و زیر نظام‌های تمدنی است. بررسی نظام سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، قضایی، آموزشی، نظامی و امنیتی و زیر نظام‌هایی مانند رسانه در این گونه مطالعات قابل توجه هستند. در ذیل هر نظام هم می‌توان به چند مسئله عمده و زیر مجموعه‌های آنها توجه کرد. سیاست‌ها و اهداف هر یک از نظام‌ها یا زیر نظام‌ها، مدیریت منابع نیروی انسانی در هر یک از نظام‌ها، قوانین و مقررات خاص هم سو با ماهیت هر نظام، روابط درون و برون سازمانی و مانند اینها نیز می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد. در چنین پژوهش‌هایی برای مثال تأثیر اهل بیت علیهم‌السلام در علوم و مسائل فرعی آن می‌تواند ده‌ها موضوع جدید مطالعاتی ایجاد کند. از مهم‌ترین الزامات مطالعات تمدنی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. محقق نباید فراموش کند که در حال انجام مطالعه تاریخی با رویکرد فرهنگی - تمدنی است. از این رو باید از روش تاریخی با رویکرد مذکور بهره گیرد.
۲. آشنایی با مطالعات فرهنگی و تمدنی به اندازه ضرورت لازم است، چرا که امکان ندارد بدون آگاهی لازم از دانش فرهنگ و تمدن بتوان به مطالعاتی با این رویکرد پرداخت.
۳. آشنایی با علوم روز نیز ضروری است. بحث‌های فرهنگی و تمدنی، حوزه بسیار وسیعی از علوم انسانی را در بر می‌گیرد که آشنایی اجمالی با آنها ضرورت دارد. اگر کسی اطلاع کافی از دانش مدیریت نداشته باشد به فهم آنچه از اهل بیت علیهم‌السلام در این زمینه وارد شده یا انجام پذیرفته موفق نخواهد شد. برای نمونه بررسی کارکرد نهاد یا سازمان وکالت نیازمند دانش مدیریت است. از این رو شهید بهشتی در سخنرانی سال ۱۳۵۶ ش به دانش پژوهان مدرسه حقانی توصیه می‌کند در کنار علوم رایج، دامنه اطلاعات خود را افزایش دهند و در حد متعارف از

علوم دیگر بهره مند شوند (شبکه اجتهاد)، تا در مطابقت اسلام با مقتضیات زمان و نیازهای روز موفق شوند. به طور مثال زیست‌شناسی عمومی و مقدمات آن از علوم طبیعی، فیزیک، شیمی، زمین‌شناسی و ریاضی در حدود متعارف می‌تواند در فهم آیات ناظر به جهان خلقت کمک کند. تاریخ تمدن بشری نیز می‌تواند به فهم تفصیلی گزارش‌های قرآنی و روایی از تمدن‌های پیشین یاری رساند. جرم‌شناسی، حقوق جزا، حقوق اساسی، حقوق مدنی می‌تواند حقوق دان مسلمان را در فهم مسائل نوپدید و در نتیجه ارائه پاسخی در خور، مستنبط از کتاب و سنت یاری بخشد تا نظام قضایی مورد نیاز تمدن اسلامی را مطابق نیاز زمان سامان دهد. علم مدیریت در فهم آیات و روایات ناظر به ساحت‌های گوناگون این علم از رفتار سازمانی گرفته تا بحث‌های مدیریت منابع انسانی کاربرد خواهد داشت.

ب) رویکرد عبرت پژوهانه

تجربه اندوزی و عبرت‌آموزی از اهداف مطالعه تاریخ دانسته می‌شود (نک. مسکویه رازی، ۱۳۷۹: ۱/ ۲۸۸؛ بیهقی، ۱۳۵۰: ۷-۱۳). تاکنون پژوهشی در خور رویکرد و روش‌های عبرت پژوهی تاریخی صورت نگرفته است. قرآن نیز در آیات بسیاری (آل عمران، ۱۳؛ یوسف، ۱۱۱؛ النازعات، ۲۶) بر عبرت پژوهی تأکید کرده است. عبرت پژوهی از سیر در منابع تاریخی آغاز می‌شود و با تدبر و تأمل همراه می‌شود: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ» (الأنعام، ۱۱)، بگو: روی زمین گردش کنید، سپس بنگرید سرانجام تکذیب‌کنندگان آیات الهی چه شد. محقق می‌تواند از این طریق چراغی برای آینده تاریخ بیفزورد: «اگر از آنچه گذشت عبرت‌گیری خود را در آنچه باقی است حفظ می‌کنی» (نهج‌البلاغه، نامه ۴۹).

محقق چگونه باید از حوادث تاریخی عبرت بگیرد؟ آیا در عبرت‌گیری باید از اشخاص الغاء خصوصیت کرد؟ یا لحاظ کردن زمان و مکان کافی است؟ برای عبرت‌گیری از جنگ جمل، آیا می‌توان در تطبیق حادثه با امروز، دنبال علی علیه السلام و طلحه و زبیر هم بود و اشخاصی مانند آنان را یافت؟ یا صرفاً می‌توان به یک عبرت کلی اکتفا کرد؛ که انقلابیون همواره باید مواظب فتنه‌ای باشند که از سوی فرزندان و اموال آنها را تهدید می‌کند؟ آیا عبرت‌گیری نوعی قیاس تاریخی است؟ صغری و کبرای این قیاس چیست؟ آیا از تک گزارش تاریخی می‌توان عبرت گرفت؟ یا برای عبرت‌گیری لازم است ابتدا مورخ حوادث مشابه با نتایج مشابه را در تاریخ بیابد تا بتواند کبرای خود را به صورت مجبه کلیه بنا کند؟ چند گزارش برای آن ضروری است؟ آیا کبرای قیاس او می‌تواند یک سنت تاریخی باشد یا هر امر کلی دیگری می‌تواند صغرای قیاس تاریخی قرار گیرد؟ نقش استقراء در ساخت قیاس تاریخی چیست؟

نویسندگان بسیاری در این زمینه پژوهش کرده‌اند. جعفر شهیدی در کتاب *امام حسین* به دنبال این است تا بگوید چه کنیم تا کربلا تکرار نشود. در حالی که اگر فردی بخواهد تاریخ را بر اساس روش‌های سنتی و علمی تألیف کند این گونه به بحث ورود نمی‌کند. کتبی مانند *عبرت‌های عاشورا* از علی اصغر الهامی نیا، *پند سرخ تاریخ درباره عبرت‌های عاشورا* مستخرج از کلام رهبر معظم انقلاب نیز از این دست هستند. درباره عاشورا با رویکرد عبرت‌پژوهی کارهای بسیاری صورت گرفته است. سید قدیر حسینی در پایان نامه ارشد با عنوان «عبرت‌های تمدنی با تکیه بر کتاب *تمدن اسلامی قرن چهارم* آدم متز»، لیستی از این پژوهش‌ها را ارائه داده است. اتخاذ رویکرد عبرت‌پژوهانه در دیگر عرصه‌های مطالعات تاریخی مانند مطالعات تاریخ اسلام، ایران و جهان نیز در راستای تحقق هدف قرآنی از تاریخ ارزشمند است (یوسف، ۱۱۱). این هدف تاکنون به درستی و فراگیر تحقق نیافته و تقریباً رو به فراموشی است.

۲. محدودیت در دامنه زمانی و مکانی و راه‌کار رفع آن

اغلب مطالعاتی که درباره تاریخ اهل بیت *علیهم‌السلام* صورت گرفته به نقش ایشان در زمان حیات و حداکثر تا پایان غیبت صغری پرداخته است. در حالی که نقش اشخاص دارای نفوذ فکری و اندیشه‌ای کمتر در گستره زمانی و مکانی حیات آنها محدود مانده است. این محدودیت در زمان و مکان نیز از دیگر کاستی‌های قابل جبران است. یکی از کاستی‌های مطالعات تاریخی، اکتفاء آنها به مجموعه‌ای از حوادث و اتفاقات زمان حیات و مکان‌هایی است که اهل بیت *علیهم‌السلام* رفت و آمد یا سکونت داشته‌اند. در این صورت پژوهشگر گزارش‌های محدودی خواهد داشت. آیا امروزه زندگی بزرگان و مصلحان به همین شکل و در دایره زمانی و مکانی حیات ظاهری ایشان بررسی می‌شود؟ نقش اشخاصی مانند گاندی، کاسترو، لنین و امام خمینی *رحمته‌م‌الله* محدود به زمان حیات ایشان و جغرافیای زندگی آنها در دوره حیات است؟ دامنه زمانی و مکانی مردان بزرگ و تأثیرگذار تاریخ به وسعت زمان و مکانی است که افکار و اندیشه‌های آنان طی کرده است. از این رو محقق تاریخ اهل بیت *علیهم‌السلام* نباید خود را در محدوده زمان و مکان حیات ظاهری ایشان محدود کند و فقط در مکان‌هایی که ایشان رفت و آمد و یا سکونت داشته‌اند و یا به نوعی در زمان حیات تأثیرگذار بوده‌اند محدود نماید. محقق باید به آینده سفر کند و در لابلای اوراق تاریخی نقش و تأثیر ایشان را در قرون بعدی جستجو نماید. برای نمونه در این نوع پژوهش می‌توان به «نقش حضرت فاطمه زهرا *علیها‌السلام* در فرهنگ و تمدن اسلامی تا قرن پنجم هجری قمری» اشاره کرد. این پژوهش در

قالب رساله در حال انجام است. «مقاله تأثیر امام علی علیه السلام بر فرهنگ و تمدن اسلامی» از محمدرضا کاشفی و «مقاله تأثیر امام علی علیه السلام بر ادبیات فارسی» از محمد رضا موحدی نیز در ورای زمان و مکان امام معصوم، به جستجوی تأثیرات دوره معصوم پرداخته‌اند. محقق می‌تواند با محدود کردن دامنه زمانی، به پژوهش خود عمق بخشند. برای نمونه مقاله «جایگاه امام علی علیه السلام در نشر علوم دین در مراکز علمی جامعه اسلامی قرن اول» از حسن طارمی راد و همکاران با محدود کردن زمان، پژوهشی عمیقی انجام داده و زمینه را برای پژوهش در قرون بعدی را فراهم کرده است.

بعد اصلی اهل بیت علیهم السلام فرامکان و فرازمان بودن اندیشه، افکار و اهداف ایشان است. همان بعدی که دین اسلام را جاودانه می‌سازد. چطور می‌توان چنین انسان‌هایی که طبق مشیت الهی باید دینی جاودانه را تبیین و تفسیر و شرح کنند، در محدوده حیات ظاهری ایشان بررسی کرد؟

۳. محدودیت در موضوع و راهکار رفع آن

مسائل مورد مطالعه درباره تاریخ اهل بیت علیهم السلام نسبت به آنچه امروزه در دانش تاریخ مطرح است از دامنه موضوعی کمتری برخوردار است. در این حوزه مناقب‌نگاری، تذکره‌نویسی و یا تاریخ پژوهی با رویکرد کلامی بیشتر مورد توجه بوده است. از این رو گسترش دامنه موضوعی می‌تواند این محدودیت را رفع کند. در این بخش برای نمونه دو موضوع معرفی می‌شود که به وسیله آنها می‌توان دامنه موضوعی پژوهش‌های در حوزه اهل بیت علیهم السلام را توسعه داد.

الف) تاریخ اندیشه و فکر

از کاستی‌های موجود در مطالعات تاریخ اهل بیت علیهم السلام، بررسی تاریخی اندیشه اهل بیت علیهم السلام است. در بررسی تاریخ اندیشه، مورخ به دنبال آن است تا ارتباط آن اندیشه را با محیط سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و ظرف زمانی که اندیشه در آن مطرح شده، مورد کنکاش قرار دهد یا اینکه ارتباط آن را با دیگر اندیشه‌های رقیب معلوم سازد. مورخ نباید در صدد اثبات و نفی آن اندیشه قرار گیرد. وظیفه او نشان دادن باطل یا حق بودن اندیشه نیست او باید وضع آن اندیشه را بررسی کند. از این رو تاریخ فکر، رشته‌ای است که در آن پژوهشگر در مسند یک مورخ به بررسی تحولات فکر و اندیشه در بستر زمان می‌پردازد. مورخ تلاش می‌کند تاریخ مذهب، مکتب یا نظریه را ترسیم کند و تأثیر آن اندیشه بر تحولات اجتماعی را بررسی کند. از این رو باید علاوه بر دید تاریخی خاص با مذهب، مکتب یا نظریه مورد مطالعه نیز آشنایی داشته باشد.

حوزه تاریخ فکر و اندیشه، رویکردی میان رشته‌ای دارد و نیازمند استفاده از دستاوردهای علوم گوناگون در حوزه علوم انسانی است.

تاریخ تفکر را نباید با علم کلام اشتباه گرفت (گرامی و قندهاری، ۱۳۹۲: ۱۴۹، ۱۵۱). در علم کلام، متکلم پیرامون اصول اعتقادی و جهان بینی دینی بر مبنای استدلال عقلی و نقلی بحث می‌کند و به شبهه‌هایی که در این زمینه مطرح می‌شود پاسخ می‌گوید و از صحت و عدم صحت اعتقادات سخن می‌گوید و آنها را در ترازوی نقد و بررسی قرار می‌دهد تا اندیشه مورد نظرش را به اثبات برساند در صورتی که در تاریخ اندیشه وظیفه اولیه مورخ چیز دیگری نیست. یک مورخ می‌تواند متکلم باشد. در این صورت بعد از ارائه تاریخ آن اندیشه، مورخ با اعلام به خواننده می‌تواند در کرسی یک متکلم بنشیند و به نقد و ارزیابی اندیشه بپردازد. این تغییر جایگاه در تاریخ نگاری قرآنی نیز دیده می‌شود. از این رو برخی چنین استنباط کرده‌اند که اصولاً مورخ نباید از داوری و ارزش گذاری دوری گزیند (دانش کیا، ۱۳۹۳: ۶۳). به این ترتیب منظور از تاریخ اندیشه بررسی اندیشه‌های اندیشه‌ورزان تأثیرگذار است که می‌تواند در سه بخش مورد توجه قرار گیرد:

۱. مراد از بررسی سیر تفکر و اندیشه متفکر در این جا بررسی سیر تفکر و اندیشه هر یک از اهل بیت علیهم‌السلام نسبت به دیگری است. موضوع مورد بررسی، امام معصوم است که همه گفتارهایش در دسترس نیست. در این صورت می‌توان مجموعه آنچه از امام به یادگار مانده را به عنوان یک کل نگریست و با استفاده از قواعد اصولی و دیگر قواعد تعریف شده در علوم اسلامی برای فهم دقیق و یکپارچه آنها اقدام کرد. مشخص نبودن زمان صدور برخی گزارش‌های حاوی اندیشه اهل بیت علیهم‌السلام آسیبی به مطالعه تاریخی وارد نمی‌کند. زمان در تاریخ گاهی با ساعت، گاهی با روز، گاهی با ماه، گاهی با مشخص کردن سال و حتی قرن و گاهی با مشخص کردن یک دوره تاریخی تحقق می‌یابد و این گونه نیست که معیار زمان محدود به سال باشد تا گفته شود چون سال صدور گزارش معلوم نیست پس گزاره تاریخی نیست. چنان که در برخی گزارش‌های تاریخی به جای ذکر سال خاص به دوره، مانند دوره اشکانیان یا پادشاهی شاپور اول استناد می‌شود. در تاریخ اندیشه همین مقدار که معلوم شود این اندیشه خاص درباره اختیار انسان از امام باقر علیه‌السلام است که دوره امامت ایشان از حدود ۹۴ یا ۹۵ تا ۱۱۴ بوده کافی است. اندیشه اندیشمندان برخلاف آرای آنها، کمتر دچار تحول می‌شود. در این صورت می‌توان گزارشی نسبتاً کامل از اندیشه امام باقر علیه‌السلام را با اندیشه امام صادق علیه‌السلام در دوره زمانی بعدی مقایسه کرد.

۲. مقایسه تفکرات هر یک از اهل بیت علیهم‌السلام با تفکرات رایج زمان هم به روشن شدن تاریخ فکر در آن دوره و هم به درک اندیشه‌های هر امام کمک می‌کند زیرا این اندیشه‌ها گاهی ناظر به اندیشه رقیب و رایج در آن دوره است.

۳. بررسی سیر اندیشه همه اهل بیت علیهم‌السلام به عنوان یک موضوع تاریخی نشان می‌دهد چگونه اهل بیت علیهم‌السلام محتوای پیام‌های عام و خاص نبی اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را در مرحله ابلاغ مدیریت کرده‌اند. این بررسی می‌تواند به استنباط سبک اهل بیت علیهم‌السلام و الگوهای تبلیغ اسلام ناب محمدی کمک کند.

در دوره معاصر به چنین پژوهش‌هایی توجه شده است. برای نمونه می‌توان به کتاب *نخستین اندیشه‌های شیعی تعالیم امام محمد باقر علیه‌السلام* اشاره کرد. نویسنده در این کتاب تصریح می‌کند که «در مغرب زمین تحقیق و بررسی در تشیع یکی از شاخه‌های مطالعات و بررسی‌های اسلامی بوده است که بیش از همه مورد غفلت قرار گرفته است اما در چند دهه اخیر گروهی از محققان به بعضی از ساحت‌های اسلام شیعی توجه جدی مبذول داشته‌اند» و بعد اسامی افرادی مانند لوی ماسینیون و هانری کربن را می‌آورد و از اتان کلبیگ، مادلونگ، هاینس هالم و حسین جعفری، موجان مومن، فرهاد دفتری، امیرمعزی و دیگران یاد می‌کند (لالانی، ۱۳۸۱: ۷ فصل مقدمه)؛ از این رو سزاوار است که جامعه شیعی تاریخ اندیشه اهل بیت علیهم‌السلام را مورد توجه قرار دهد تا مجبور نباشد به رفع شبهه از آثار مستشرقان بپردازد!

گام برداشتن در این راه از یک سو صدها موضوع متنوع را پیش روی محقق می‌نهد و از سوی دیگر به فهم دقیق‌تر اندیشه‌های اهل بیت علیهم‌السلام کمک می‌کند. از چالش‌های موجود در تاریخ اهل بیت علیهم‌السلام، عدم معرفی دقیق دستاوردهای علمی ایشان در زمینه علوم گوناگون است.

ب) مباحث نظری تاریخی و تمدنی

از مباحثی که امروزه فیلسوفان تاریخ و تمدن به آن می‌پردازند مباحث نظری است که در فلسفه تاریخ اعم از فلسفه علم و فلسفه نظری تاریخ مطرح شده است. مباحث نظری تمدن نیز در جای خود از اهمیت بسزایی برخوردار است. مسائلی مانند عوامل پیدایی، استقرار، پیشرفت، اعتلا، رکود و انحطاط تمدن، در این بخش مورد توجه قرار می‌گیرد.

پیروان اهل بیت علیهم‌السلام اگر این مباحث نظری را از منبع وحیانی یا گفتار معصوم استخراج کنند، در واقع علوم مذکور را بر مبنایی الهی بنا کرده‌اند. در این زمینه یعنی استخراج مباحث نظری مورد نیاز در تاریخ و فرهنگ و تمدن مطالعاتی در حال انجام است، اما تا رسیدن به یک فلسفه منسجم در زمینه‌های یاد شده فاصله بسیار است. از مشکلات و چالش‌های این حوزه،

عدم اطلاعات کافی پیروان اهل بیت از آخرین یافته‌های این شاخه از دانش در جهان است. اما چرا به این اطلاعات نیاز است؟ فرض کنید مهندسی در انباری به دنبال ترانزیستورهایی است که در تنظیم جنگنده‌ها به کار می‌رود، لازمه آن شناخت آن قطعات است و الا هیچ وقت نمی‌تواند آن را پیدا کند. حال وقتی محققى به دنبال یافتن نظرات اهل بیت علیهم‌السلام در مسائل فلسفه تاریخ یا تمدن است و فرض بر این است که امکان دارد اهل بیت علیهم‌السلام در این موارد مطالبی بیان کرده باشند، باید مسائل مذکور را بشناسد تا در گام بعدی به جستجوی آن در گفتار اهل بیت علیهم‌السلام بپردازد. این چالش در یافتن دیدگاه معصومان در بسیاری از علوم وجود دارد. محققى که در صدد بررسی مدیریت منابع انسانی از منظر معصوم است اما از آخرین یافته‌های این علوم خبر ندارد، اگر امام در آن مسئله فرموده‌ای داشته باشد برای این محقق قابل کشف نخواهد بود. در سال‌های اخیر مطالعاتی در حوزه فلسفه تاریخ و تمدن صورت گرفته است مانند آنچه علامه جعفری در شرح نهج البلاغه در جلد ۲۷ خود آورده و در ادامه نیز دیگران به آن پرداخته‌اند اما هنوز سؤال‌های فراوانی وجود دارد که می‌توان به اهل بیت علیهم‌السلام عرضه و پاسخ آن را دریافت کرد.

مشکل مطالعات تاریخی اهل بیت علیهم‌السلام کمبود مسئله است و نه نبود پاسخ. از این رو می‌توان مسائل را از علم تاریخ که تا حدودی در دیگر کشورها توسعه یافته اخذ کرد و پاسخ‌ها را در تاریخ اهل بیت علیهم‌السلام جستجو کرد. این عمل مانند مهندسی معکوس در صنایع است. در مهندسی معکوس پس از دستیابی به سؤال اصلی، همزمان با تحقیق در مرحله قبل به ابداع مسائل نو پرداخته می‌شود. پیش فرض این نوشتار این است که آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام ظرفیت لازم برای پاسخ‌گویی به سؤالات و مسائل نو پدید به ویژه در زمینه مباحث نظری تاریخ را دارد. مقالاتی مانند «صنعت از دیدگاه امام جعفر صادق علیه‌السلام» از مهندس جعفر رحیمی از این دست مقالات است که موضوعی نظری در حوزه تمدن را مورد بررسی قرار داده است.

مباحث کلان تاریخ از دیگر بحث‌هایی است که به نظر می‌رسد در قرآن و گفتار معصومان می‌توان ردی از آن پیدا کرد. کلان تاریخ بر آن است تا از طریق تعریف الگوی رشد و حیات تحول تاریخ، چشم اندازهای آینده را ترسیم کند. کلان تاریخ همچون آینده پژوهی، به دنبال تحول گذشته، حال و آینده است، نه صرفاً ارائه یک تفکر ایستا درباره زمان اجتماعی. کلان تاریخ از طریق شرح ساختارهای تاریخ، علل و ساز و کارهای تغییرات تاریخی، تبیین منطق تحولات کلان تاریخی و تحقیق درباره آنچه که تغییر می‌کند و آنچه که ثابت می‌ماند، تحلیل واحدهای تاریخ و ارائه مراحل تاریخ، ساختاری ارائه می‌کند تا بتوان از طریق آن به پیش‌نگری

و کسب بینش درباره آینده و در نهایت ساخت آینده مطلوب پرداخت (گالتونگ و سهیل، ۱۳۹۸: ۱۸). از این رو می‌توان برای به دست آوردن دیدگاه معصومان در پاسخ به سؤالات کلان تاریخ تلاش کرد. دانشی که در صورت دستیابی به آن از منبع وحیانی یا متصل به وحی می‌تواند آینده‌ای توحیدی را رقم زند.

۴. محدودیت در روش و راه‌کار رفع آن

یکی از ارزنده‌ترین نقش‌های اهل بیت علیهم‌السلام الگو بودن آنها برای افراد مسلمان و جامعه اسلامی است. از این رو مسلمانان به تاریخ نبی اعظم و سیره ایشان توجه نشان داده‌اند. در بحث‌های سیره پژوهی اغلب از روش تاریخ نگارانه استفاده می‌شود ولی سؤال این است آیا برای بررسی سیره، روش‌های دیگری نمی‌توان به کار بست؟

در سال‌های اخیر برخی از محققان از روش‌های نوین و ترکیبی در مطالعات تاریخی اهل بیت علیهم‌السلام بهره‌جسته‌اند. برای نمونه برخی با الهام از چند روش شناختی هرمنوتیک، روش اجتهادی و روش تحلیل گفتمان، شروع به پژوهش کرده‌اند (ملک زاده، ۱۳۹۱: ۴۲). استفاده از روش‌های ترکیبی الزاماتی دارد که جای بحث آن در این مختصر نیست. روش و چارچوب‌های نظری نباید خود را بر پژوهشگر تحمیل کند، چه بسا روشی در نوعی از پژوهش جواب دهد و در نوعی دیگر خیر. منظور این نوشتار است توصیه به دو روش زیر است:

الف) روش درس نگارانه

روش درس نگر، از روش‌هایی است که در گذشته مورد توجه مورخان و سیره‌نویسان قرار گرفته است. در این روش سیره نبوی و سیره اهل بیت علیهم‌السلام با نگاهی تازه و بیشتر به نتایج فقهی، عقیدتی، اجتماعی - سیاسی حوادث عصر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام نگریسته شده و جنبه‌های تاریخی حوادث در درجه دوم اهمیت قرار می‌گیرد.

این روش به فقه‌السیره شهرت یافته است. مقصود از فقه‌السیره تحلیل حوادث و ربط دادن آن به یکدیگر و تطبیق آن با مسائل عقلی نیست که در نهایت به تحلیل تاریخی حوادث عصر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام می‌انجامد. مقصود از فقه‌السیره در اینجا، استخراج موضوعات عقیدتی، فقهی، سیاسی، اخلاقی و اجتماعی از سیره معصومان است. یعنی هدف، کشف احکام و معارف اسلامی از رفتار و سلوک معصومان به صورت کاربردی است. به این ترتیب موضوعاتی را که معصوم سخنی درباره آنها نگفته یا به دست ما نرسیده، از چگونگی عملکرد ایشان در طول حوادثی که اتفاق افتاده به دست می‌آورند. مبانی و مستندات این کار،

به روشنی در علم اصول در بحث حجیت فعل معصوم مطرح شده است. آنچه کار فقه السیره را از سیره نویسان متمایز می‌کند، این است که در این شیوه، زندگی معصوم، اولاً به ترتیب تاریخی بررسی می‌شود و ثانیاً درس‌ها و عبرت‌ها و احکامی از آن به دست می‌آید. این شیوه که درباره سیره نبوی به کار برده شده، می‌تواند درباره اهل بیت علیهم‌السلام نیز مورد استفاده قرار گیرد. در این شیوه سیره معصومان از حالت تاریخی صرف، به حالتی فعال و پراز درس‌های کاربردی تبدیل می‌شود. برخی از محققان با ارزیابی این سبک و روش، ضعف‌های آن را طرح کرده‌اند که با برطرف کردن آنها، نتایج مطلوب‌تری حاصل خواهد شد. بررسی عدم توجه شیعیان به این روش از سیره نگاری^۱ - که در میان اهل سنت درباره نبی اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و برخی از صحابه پیگیری شده است - خود می‌تواند موضوع پژوهش مستقلی قرار گیرد.

ب) روش سبک نگارانه

روش دیگری که می‌تواند به افزایش دامنه مطالعات تاریخی اهل بیت علیهم‌السلام منجر شود اتخاذ روش سبک نگر در بررسی سیره است (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۴: ۲۱، ۲۳). در این روش، سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و معصومان علیهم‌السلام در طول ۲۷۳ سال مورد جستجو و استخراج قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد مرحوم شهید مطهری از اولین محققانی است که ضمن معرفی این روش در صدد استخراج سبک معصومان و نوع روش آنان در عرصه‌های گوناگون زندگی برآمده است. پس از او این روش کمتر مورد توجه محققان قرار گرفته است،^۲ به طوری که به رغم برگزاری همایش علمی-پژوهشی سبک زندگی اهل بیت، می‌توان ادعا کرد هنوز در خصوص روش استنباط این سبک از زندگی معصومان ابهامات بسیاری وجود دارد. به کارگیری این روش میدان تحقیقاتی وسیعی را پیش روی محققان می‌گذارد. از آن مهمتر کارکرد این روش در روشن‌سازی سبک زندگی معصومان و به کارگیری آن در زندگی انسان‌ها در ساحت‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، خانوادگی و فردی مؤثر خواهد بود.

چنانکه نویسنده کتاب *انسان دویست و پنجاه ساله* در نظریه خود برای احتراز از تعارض ظاهری در افعال امامان، فرض می‌کند انسانی، دویست و پنجاه سال زندگی کرده است و لاجرم

۱. از میان تألیفات شیعیان می‌توان به کتاب فقه السیره النبویه نوشته نجاح طائی اشاره کرد.

۲. برای نمونه می‌توان به مقاله «هدف و وسیله»، احمد مبلغی، دانشنامه امام علی علیه‌السلام، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، زیر نظر علی اکبر رشاد، ۱۳۸۰، ج ۱۱؛ و رساله اصل مصالحه و مدارا در سیره معصومان (مبانی، اصول، اهداف و روش‌ها)، محمدحسین توکلیان، ۱۳۹۸، دانشگاه معارف اسلامی، اشاره کرد.

در این مدت گاهی به اقتضا، تند و گاهی کند حرکت کرده‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۱۶). این انسان گاهی قیام و گاهی صلح کرده، گاهی دست به آموزش زده و گاهی عملی دیگر، اما ماهیت اعمالش تغییری نکرده است. در روش سبک نگارانه فرض بر این است که معصومان در طول ۲۷۳ سال زندگی، سبک واحدی داشتند، اما بروز و ظهور آن تفاوت کرده است. اگر پژوهشگر بخواهد سبک ایشان را استخراج کند باید در میان اعمال معصومان که در فراز و نشیب تاریخ بروز داشته جستجو کند تا به سبک قابل اعتنا دست یابد. اگر محقق به زندگی یک امام اکتفا کند طبیعتاً سبک استخراجی کامل نخواهد بود. نباید در سبک نگاری، از قرآن به عنوان منبع اصلی استخراج غفلت کرد. نبی اعظم صلی الله علیه و آله بر اساس تعالیم قرآنی حرکت کرده است و به عبارتی دستورالعمل فعالیت‌ها و رفتارها و روش‌های ایشان در قرآن ثبت شده است. از این رو در این سبک باید از قرآن به عنوان سندی مکتوب و منعکس کننده روش زندگی معصومان استفاده کرد.

بر این اساس، اصول کلی، عملی و ثابت که تعیین کننده نوع روش و رفتار معصومان است، استخراج می‌شود. این اصول روش صحیح زندگی اعم از فردی و اجتماعی، سیاسی و روابط و مناسبات زندگی را در اختیار شیعیان قرار می‌دهد. بر خلاف قضایای فقهی که موضوع آنها فعل مکلف و محمول قضایا، احکام خمس است یا قضایای اخلاقی که به دنبال یافتن افعال خوب یا بد است، در قضایای سیره به معنای سبک نگارانه محقق به دنبال قضایایی است که موضوع آنها نوع روش و محمول آنها صحیح یا نادرست است. نکته تکمیلی این که با استخراج نوع روش ثابت، می‌توان روش‌های گوناگونی را طراحی و اجرا کرد، که این روش‌ها به مقتضای شرایط، زمان و مکان و خصوصیات موضوع تغییر پذیر است. نوع روش معصومان در مقابل دشمن همواره عزت مدارانه بوده است اما روش اجرای آن در برهه‌های گوناگون تفاوت داشته است.

نتیجه

مطالعات تاریخی امامان با آسیب‌ها و کاستی‌هایی روبه‌روست از این میان چند محدودیت به عنوان کاستی این نوع مطالعات مورد توجه قرار گرفته است. محدودیت رویکرد، زمان و مکان، موضوع و روش مورد بررسی قرار گرفت و برای رفع هر یک از این کاستی‌ها راه‌کارهایی ارائه شد. اتخاذ رویکرد فرهنگی و تمدنی و رویکرد عبرت پژوهانه برای رفع محدودیت در رویکردهای سیره پژوهی پیشنهاد شده است. برای رفع محدودیت زمان و مکان پیشنهاد شد تا

تأثیر و نقش امامان در ورای زمان و مکان حضور و حیات ظاهری آنها مورد بررسی قرار گیرد. برای رفع محدودیت موضوعی نیز پرداختن به موضوعات تاریخ اندیشه و فکر و مباحث نظری تاریخ و تمدن مطرح شد. برای رفع محدودیت در روش، روش درس نگر و سبک نگر پیشنهاد شد. گسترش آنچه درباره رفع محدودیت‌ها گفته شد مستلزم شکیبایی و صرف وقت است و این انتظار که بلافاصله پژوهش‌هایی با کیفیت مطلوب انجام گیرد منطقی نیست. شاید اگر همان شکیبایی که مراکز علمی کشور در مواجهه و بررسی آرای فیلسوفانی مانند هگل، دکارت و کانت از خود نشان می‌دهند و ده‌ها پایان‌نامه و رساله درباره زوایای اندیشه آنان تصویب می‌کنند، در نوع مطالعات تاریخی اهل بیت و معصومان علیهم‌السلام صورت گیرد و پیشنهادات پژوهشی به بهانه تکراری بودن یا امکان ثمر بخش نبودن رد نشود، در آینده نتایج مطلوب به همراه خواهد داشت. این پیشنهادات در صورتی تحقق می‌یابد که باور داشته باشیم تراث اهل بیت علیهم‌السلام برای استفاده و بهره‌مندی بشری یوم القیامه لازم و کافی است.



منابع

- قرآن
- نهج البلاغه
- بخشی، منصوره (۱۳۹۳)، تاریخ نگاران امامیه، قم، جامعه الزهرا.
- بیهقی، ابوالفضل (۱۳۵۰)، تاریخ بیهقی، به کوشش علی اکبر فیاض، مشهد، دانشگاه فردوسی.
- توحیدی نیا، روح الله و نعمت الله صفری فروشانی (۱۳۹۴)، «ماهیت تاریخ نگاری روایی امامیه تا نیمه قرن پنجم»، تاریخ اسلام، سال شانزدهم، زمستان، ش ۴ (پیاپی ۶۴).
- جعفریان، رسول (۱۳۸۷)، منابع تاریخ اسلام، قم، انصاریان.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۱)، رهبری انسان دویست و پنجاه ساله، تهران، مرکز صهبا، چ سوم
- دانشکیا، محمد حسین (۱۳۹۳)، نگاهی دیگر به تاریخ در قرآن، قم، نشر معارف.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۹۴)، سبک زندگی پیامبر اعظم، قم، نشر معارف.
- رحیمی، جعفر، «صنعت از دیدگاه امام جعفر صادق علیه السلام»، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، سال دوم پاییز ۱۳۹۰، شماره ۴.
- الصدر، محمد (۱۴۰۰)، تاریخ الغیبة الصغری، اصفهان، مکتبة الرسول الاعظم.
- صفری فروشانی، نعمت الله (۱۳۸۶)، بررسی دو اثر تاریخ نگاری شیخ صدوق رحمته الله، نامه تاریخ پژوهان، تابستان، شماره ۱۰.
- _____ (۱۳۸۵)، «حسین بن عبدالوهاب و عیون المعجزات»، علوم حدیث، زمستان، شماره ۴۲.
- گالتونگ، یوهان؛ عنایت‌اله، سهیل (۱۳۹۸)، کلان تاریخ و تاریخ دانان، ترجمه عبدالمجید کرامت زاده و مسعود منزوی، تهران، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی.
- گرامی، سید محمد هادی؛ قندهاری، محمد (۱۳۹۲)، واکاوی رابطه کلام و تاریخ فکر در مطالعات شیعه شناسی، مطالعات تاریخ اسلام، سال پنجم، شماره ۱۸.
- لالانی، ارزینا آر (۱۳۸۱)، نخستین اندیش‌های شیعی تعالیم امام محمد باقر علیه السلام، ترمه فریدون بدره‌ای، تهران، نشر و پژوهش فروزان روز.
- مجیدی نسب، نرگس (۱۳۸۷)، تاریخ نگاری شیعه در کتاب رجال نجاشی، نامه تاریخ پژوهان، ش ۱۶.

- محرمی، غلامحسن (۱۳۹۴)، پژوهش در زندگی امامان علیهم السلام (مبانی و روش‌ها)، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- مسکویه الرازی، ابوعلی (۱۳۷۹)، تجارب الأمم، تحقیق ابوالقاسم امامی، تهران، سروش.
- ملک زاده، محمد (۱۳۹۱)، سیره سیاسی معصومان در عصر حاکمیت جور، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- یوسفی غروی، محمد هادی (۱۳۹۴)، آشنایی با منابع تاریخ اسلام و تشیع، تحقیق از ساجده یوسفی، قم، دفتر نشر معارف.
- شبکه اجتهاد، سخنرانی مرحوم شهید بهشتی در سال ۵۶ در مدرسه حقانی [/http://ijtihadnet.ir](http://ijtihadnet.ir)
- گفتگو با استاد رسول جعفریان، روزنامه اعتماد، شماره ۴۴۸۱-۱۳۹۸ یکشنبه ۱۴ مه، [/http://www.etemadnewspaper.ir](http://www.etemadnewspaper.ir)

